

گزارش اقتصادی

بازار انرژی

دانیان
گروه مالی



© حقوق معنوی این اثر به گروه مالی دانایان متعلق است و نقل مطالب از آن با ذکر مأخذ بلامانع است. متن اولیه را منصور شاکریان و محمدنوید نوروزی تهیه کرده‌اند. حسین عبده تبریزی با افزودن مطالب، بازنویسی برخی قسمت‌ها، و حذف بخش‌هایی از گزارش در تهیه‌ی نسخه‌ی نهایی این متن نقش داشته است. تهران. تیرماه ۱۴۰۲.

در پيشانی سخن

گروه مالی دانایان با همکاری بازوی آموزشی-پژوهشی‌اش (آکادمی دانایان) خود را ملزم می‌داند هر سال گزارش جامعی از حوزه‌های مختلف اقتصاد ایران ارائه دهد و نهایتاً این گزارش‌ها را در مجموعه‌ای واحد تحت عنوان «اقتصاد ایران در سال پیش‌روی» گرد آورد و به جامعه‌ی مالی کشور تقدیم کند.

گرایش اصلی این گزارش‌ها کاربردی است. گزارش‌ها مبتنی بر رویکرد علمی و منطبق با استانداردهای رایج روش تحقیق دانشگاهی تهیه می‌شود، اما تلاش بر آن است که حاوی نتیجه‌گیری‌هایی باشد که به کار بنگاه‌ها و کسب‌وکارهای مختلف بیاید. گزارش حاضر پنجمین بخش از گزارش اصلی است و بازار انرژی در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. امیدواریم که خوانندگان این گزارش‌ها با ارائه‌ی نقد و نظرات خود به گروه مالی دانایان، امکان ارتقای محتواهای تولیدشده در این گروه را فراهم آورند.

با احترام
حسین عبده تبریزی



فهرست عناوین

- ۱ مقدمه **۱**
- ۲ میزان مصرف و سبد انرژی در ایران **۲**
- ۴ مصرف‌کننده‌ی نهایی انرژی کیست؟ **۳**
- ۶ حامل‌های انرژی و مصرف‌کننده‌ی نهایی **۴**
- ۸ ایران دریایی از منابع انرژی **۵**
- ۱۰ نفت بر سر سفره‌ی مردم **۶**
- ۱۳ بیکاری، صادرات پنهان انرژی و توزیع رانت **۷**
- ۱۶ چشم‌انداز بازار انرژی؛ بازار انرژی به کدام سمت می‌رود؟ **۸**
- ۲۰ جمع‌بندی: آنچه اتفاق خواهد افتاد! **۹**

امروزه اهمیت موضوع انرژی و تأثیر آن بر فعل و انفعالات اقتصادی بسیار مورد توجه است. انرژی و موضوعات مرتبط با آن، به تنهایی یکی از اصلی‌ترین عوامل رخدادهای سیاسی و اجتماعی در جهان معاصر است. نقش انرژی به اندازه‌ای در تحولات سیاسی چشم‌گیر است که در بسیاری از جنگ‌های چند دهه‌ی گذشته، کشورهایی درگیر بوده‌اند که منابع طبیعی نفتی و گازی داشته‌اند. از جمله‌ی این جنگ‌ها می‌توان به جنگ‌های ایران و عراق، خلیج فارس، عراق، لیبی و اوکراین اشاره کرد. این منازعات سیاسی به شدت بر اقتصاد و بازارهای جهانی تأثیر داشته است. علاوه بر سیاست، انرژی به عنوان رکن مهم در مطالعات اقتصادی و در کنار سرمایه و نیروی کار به عنوان نهاده‌ی اصلی تولید بررسی می‌شود.

اقتصاد ایران طی سالیان گذشته با چالش‌های متعددی همچون عدم رشد باثبات، تورم مزمن و بیکاری مواجه بوده است. چالش‌های سیاسی و سیاستی، کسری بودجه و بحران‌های مالی و پولی مسائلی است که دولت‌های تمام ادوار گذشته با آن درگیر بوده‌اند. پاسخ سیاست‌گذاران به رفع مشکلات فوق، ایجاد ابرچالش‌های جدیدی بوده است؛ ابرچالش‌هایی که ذات آنها با بحران‌های یادشده متفاوت بوده و متأسفانه اثرات آنها در بلندمدت ماندگار خواهد بود و چندین نسل را گرفتار خواهد کرد. ایران همانند سایر کشورها با استفاده از ظرفیت‌های محیط زیست و انرژی خود می‌توانست مسیر توسعه را بیماید، در حالی که این ظرفیت‌ها در قالب بحران‌های زیست‌محیطی، آلودگی هوا و بحران آب و انرژی اقتصاد امروز و فردای ایران را تهدید می‌کند. تحولات بخش انرژی در اقتصاد ایران توانایی اثرگذاری بر بسیاری از تعادل‌های اقتصادی در صنایع مختلف را داشته و از این روی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی اثرات قابل‌توجهی دارد. همچنین، تحولات بخش انرژی از منظر مناسبات اجتماعی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد که تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران در خصوص آن را دشوار می‌کند.

در دهه‌های اخیر دولت هر سال قیمت متفاوتی برای انرژی صنایع مختلف وضع می‌کند. چند سالی است که بعد از کالاهای چندنرخی، ارز چندنرخی، تسهیلات چندنرخی و ...، انرژی نیز چندنرخی شده است؛ هر سال طی بخشنامه‌ای قیمت انرژی برای صنایع مختلف تعیین می‌شود. این سیاست بازار انرژی را آشفته‌تر می‌کند و امر مدیریت بنگاه‌ها را دشوارتر می‌کند، چرا که امکان پیش‌بینی و محاسبه‌ی جریان نقدی آزاد جهت تخصیص وجوه به سرمایه‌گذاری تضعیف می‌شود. تعیین قیمت انرژی مزیت نسبی صنایع مختلف و سودآوری آنها را هر سال تغییر می‌دهد و بحث بهره‌وری در اقتصاد و صنعت را به شوخی تلخی تبدیل می‌کند. این نظام چند نرخی انرژی، علاوه بر مشکلات بنیادین اقتصادی، بازاری دستوری و با ریسک بالا ایجاد می‌کند. بازاری که با صدور هر بخشنامه، میلیاردها دلار ارزش خود را از دست می‌دهد. چنین بازاری نمی‌تواند جایی برای سرمایه‌گذاری مطمئن آحاد اقتصادی محسوب شود.

تشکیل بازارهای کارا، سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی انرژی، متنوع‌سازی سبد مصرفی انرژی، اصلاح ساختار قراردادهای انرژی و تقویت انگیزه‌ی بخش خصوصی برای ورود به صنعت انرژی و کمک به افزایش ظرفیت عرضه‌ی آن، خصوصاً در انرژی‌های پاک، در طول این سال‌ها و در مقام عمل، چندان مورد توجه سیاست‌گذاران قرار نگرفته است. تبعات اولیه‌ی این بی‌توجهی را می‌توان در قطعی‌های مکرر جریان برق و گاز در طول برخی از روزهای سال و به تبع آن توقف تولید و قطعی جریان انرژی خانوار مشاهده کرد.

در ادامه‌ی این گزارش، ابتدا در خصوص میزان و سبد انرژی مصرفی در ایران و مقایسه‌ی آن با جهان صحبت خواهیم کرد. سپس ویژگی‌های بازار انرژی ایران از جمله قیمت‌گذاری دستوری و یارانه‌های انرژی بررسی و اثرات این سیاست‌ها بر برخی کسب‌وکارها توضیح داده می‌شود. در انتها نیز چشم‌انداز بازار انرژی ایران ترسیم خواهد شد.

۲. میزان مصرف و سبد انرژی در ایران

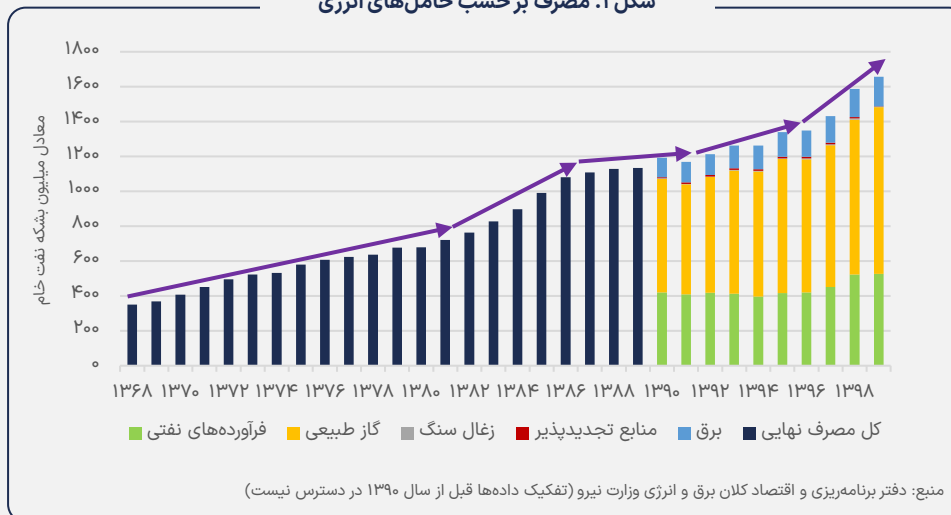
انرژی از دو منظر موضوع بررسی است: از منظر حامل‌های انرژی که بر نحوه‌ی استفاده از انرژی تاکید دارد، و از منظر مصرف‌کننده‌ی نهایی که این انرژی را مصرف می‌کند. در این گزارش ابتدا از بُعد کمیّت، مصرف انرژی بر اساس حامل‌های مختلف انرژی بررسی می‌شود و سپس مصرف‌کنندگان نهایی معرفی می‌شوند.

شکل ۱ بیانگر رشد فزاینده‌ی مصرف انرژی در ایران در بازه‌ی زمانی سی‌ویک ساله است. دو عامل افزایش جمعیت و افزایش تولید ناخالص داخلی، بخشی از افزایش تقاضا برای انرژی در طول این سال‌ها را توضیح می‌دهند؛ اما این تمام ماجرا نیست. میزان مصرف انرژی در ایران در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۶۸، ۴/۷ برابر شده است؛ درحالی‌که در همین بازه‌ی زمانی جمعیت حدوداً ۱/۶۸ برابر و تولید ناخالص داخلی فقط ۲/۷ برابر شده است. در همین بازه‌ی زمانی جمعیت جهان ۱/۵۱ برابر و مجموع تولید ناخالص داخلی جهان ۲/۷۹ برابر شده، اما مصرف انرژی در جهان فقط ۱/۶ برابر شده است. حتی سال‌هایی داشته‌ایم که در آن نرخ رشد مصرف انرژی در ایران حدود ۱۰ درصد بوده است. تغییرات تولید ناخالص داخلی و تغییرات جمعیتی در ایران تقریباً نرخی مشابه متوسط جهان داشته است، اما نرخ رشد مصرف انرژی در ایران حدوداً ۲/۷ برابر نرخ رشد مصرف انرژی در جهان است. نبود دغدغه‌ی بهبود بهره‌وری به دلیل منابع سرشار نفتی و عدم‌آینده‌نگری از اصلی‌ترین عوامل بروز این تمایز در مصرف انرژی ایران با جهان است.

همان‌طور که در شکل ۱ مشخص است، مصرف انرژی ایران از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۹۹ (آخرین سالی که داده‌های آن منتشر شده است) سالانه حدود ۵ درصد رشد داشته است. در سال‌های پس از پایان جنگ، مصرف انرژی به‌واسطه‌ی افزایش تولید و جبران خسارات جنگ رشد سالانه‌ای معادل ۶/۲ درصد داشته است. پس از آن و در نیمه‌ی اول دهه‌ی هشتاد و هم‌زمان با سال‌هایی که اقتصاد ایران رشد اقتصادی بالایی داشت، روند مصرف کمی افزایش یافته و رشد سالانه در این دوره معادل ۶/۴ درصد است. علاوه بر رشد اقتصادی بالا در نیمه‌ی اول دهه‌ی هشتاد، افزایش رشد مصرف انرژی با قانون تثبیت قیمت‌ها، بی‌ارتباط نیست؛ به واسطه‌ی تثبیت قیمت و بروز انگیزه‌های قیمتی، مصرف افزایش یافته است. مسئولان وقت تصویب‌کننده‌ی این قانون در اسفند ۸۳، این مصوبه را عیدی به مردم تلقی می‌کردند و از پیامدهای بلندمدت آن غافل بودند. اگرچه رشد مصرف انرژی در دهه‌ی هفتاد و نیمه‌ی اول دهه‌ی هشتاد تقریباً برابر است، اما این دو بازه‌ی زمانی تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر دارند. این تفاوت‌ها در قیمت جهانی نفت، رشد اقتصادی ایران و سطح مداخلات قیمتی دولت نمود داشته است.

از سال ۱۳۸۷ و سال‌های ابتدایی اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، نرخ رشد مصرف انرژی در ایران بسیار کاهش یافته و برای چند سال به حدود ۲/۵ درصد رسیده است. علاوه بر اثرات طرح هدفمندی یارانه‌ها، رشد اقتصادی در این دوران نسبت به دوره‌ی قبل نصف شده است. البته اثرات طرح هدفمندی یارانه‌ها محدود به چند سال ابتدایی اجرای آن است. با وقوع تورم در سال‌های ابتدایی دهه‌ی نود و با کاهش شدید رشد اقتصادی در این دوره به کمتر از ۱/۵ درصد، مصرف انرژی همچنان با شتابی کمتر از رشد بلندمدت خود و در حدود رشد سالانه‌ی ۲ درصد افزایش یافته است.

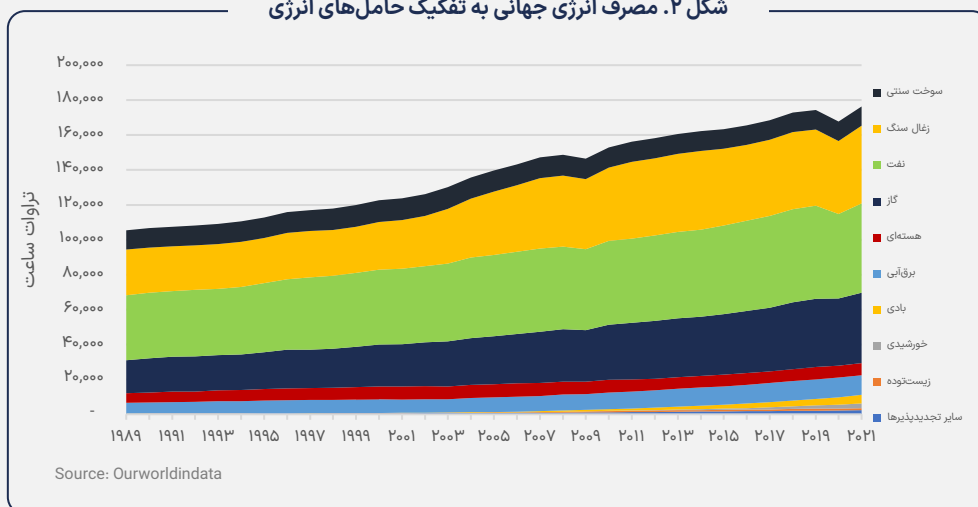
شکل ۱. مصرف بر حسب حامل‌های انرژی



سال ۱۳۹۷، سال مهم و نقطه عطفی در اقتصاد ایران و در روند افزایش مصرف انرژی است. این سال با خروج امریکا از برجام و شروع تورم فزاینده در اقتصاد ایران همزمان است. گویی ابتدایی‌ترین راه‌حل بازیگران و تصمیم‌گیران اقتصاد، استفاده بیشتر از منابع و مواهب طبیعی برای جبران کاستی‌هاست. نرخ رشد سالانه‌ی مصرف انرژی این دوره برابر با ۷/۱ درصد است. اصلاح قیمت بنزین اثراتی بر ترکیب انرژی مصرفی در نیمه‌ی دوم سال ۹۸ و سال ۹۹ داشته است، اما نتوانسته رشد کل مصرف انرژی را (به‌رغم بروز بحران کرونا) کاهش دهد.

شکل ۲ مصرف جهانی انرژی به تفکیک حامل‌های آن را نشان می‌دهد. نکته‌ی اول تفاوت رشد مصرف در بازه‌های یادشده است. در بازه‌ی زمانی مشابه با ایران، مصرف انرژی در جهان ۱/۵ درصد رشد داشته است. در سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹، ۱/۴ درصد، در ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶، ۲/۶ درصد، در بازه‌ی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰، ۱/۳ درصد و از سال ۱۳۹۷ تاکنون به دلیل بحران کرونا، مصرف انرژی جهانی تقریباً ثابت بوده و رشد منفی یک دهم درصدی داشته است.

شکل ۲. مصرف انرژی جهانی به تفکیک حامل‌های انرژی



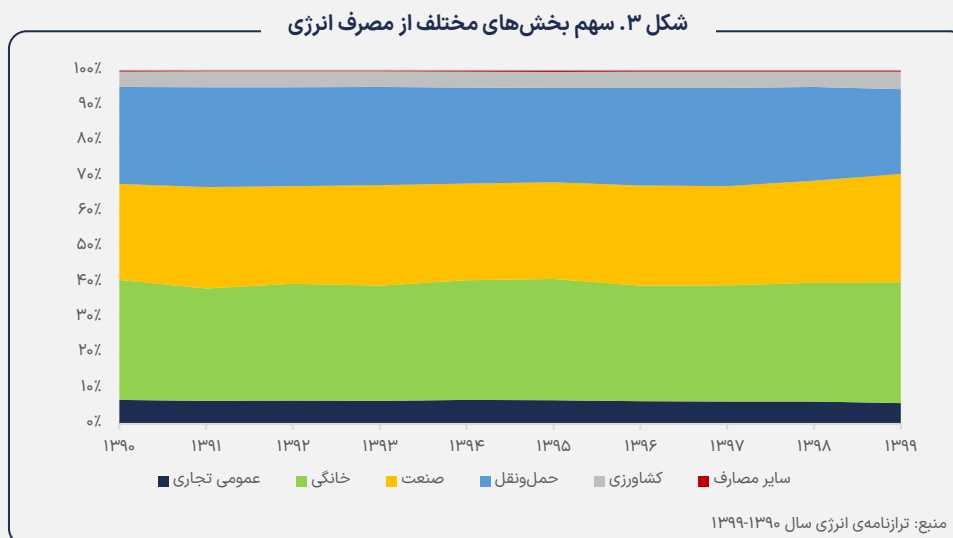
نکته‌ی دیگر توجه به تغییر حامل‌های تشکیل‌دهنده‌ی سبد انرژی در طول این سال‌هاست. انرژی توسط حامل‌های مختلف تأمین می‌شود و به ترکیب آنها سبد انرژی گفته می‌شود. امروزه طیف متنوعی از انواع حامل‌های انرژی در سبد انرژی جهانی وجود دارد. در سال ۲۰۲۱، ۸۳ درصد از انرژی جهان از نفت، گاز، زغال سنگ و زیست‌توده‌های سنتی مثل چوب تأمین شده است. ۱۷ درصد مابقی از باد، خورشید، برق‌آبی، هسته‌ای و سایر انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین شده است. سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در کشورهای توسعه‌یافته بسیار بیشتر بوده است.

باتوجه به منابع فراوان نفت و گاز در ایران، در سال ۱۳۹۹ با احتساب سهم گاز و فرآورده‌های نفتی در تولید برق، بیش از ۹۸ درصد انرژی در ایران از نفت و گاز تأمین شده است؛ سهم نیروگاه‌های برق‌آبی، هسته‌ای، خورشیدی و سایر حامل‌های تجدیدپذیر کم‌تر از دو درصد است. از تفاوت‌های عمده‌ی دیگر بین سبد انرژی مصرفی ایران و جهان، عدم مصرف زغال سنگ در ایران است؛ ماده‌ی معدنی‌ای که در کشورهای چین و هند بسیار زیاد مصرف می‌شود. تنوع‌بخشی در سبد انرژی، در راستای تحقق هدف تأمین امنیت انرژی و چالش کمتر کسب‌وکارها، به ثبات تولید کشور کمک می‌کند. یکی از کاراترین راه‌کارها در تنوع‌بخشی سبد انرژی، سرمایه‌گذاری در تولید انرژی با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر است. اگرچه در سالیان گذشته، سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا) طرح‌های تشویقی بسیاری برای توسعه در این حوزه ارائه کرده، اما به دلیل عدم ثبات در شرایط اقتصاد کلان، مداخلات قیمتی و جهش‌های نرخ ارز؛ ریسک این نوع سرمایه‌گذاری بسیار بالا ارزیابی شده، و سرمایه‌گذاری در این رشته مورد استقبال قرار نگرفته است.

۳. مصرف‌کننده‌ی نهایی انرژی کیست؟

منظر دوم، بررسی انرژی از بُعد مصرف‌کننده‌ی نهایی است. مصرف‌کننده‌ی نهایی را می‌توان به مصرف‌کننده‌ی بخش خانگی، عمومی و تجاری، صنعت، حمل‌ونقل و کشاورزی تفکیک کرد. شکل ۳ بیانگر متوسط سهم بخش‌های مختلف از مصرف انرژی ایران در بازه‌ی زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ است. مطابق این نمودار، سهم بخش خانگی از کل مصرف انرژی ۳۴ درصد است. این سهم تقریباً در طول دهه‌ی نود ثابت مانده است. بخش صنعت ۳۱ درصد از مصرف انرژی را به خود اختصاص داده که نسبت به اوایل دهه‌ی نود ۴ درصد افزایش داشته است. سهم بخش حمل‌ونقل از مصرف کل انرژی در سال ۱۳۹۹ به دلیل بحران کرونا بیش از ۳ درصد کاهش داشته و به ۲۴ درصد رسیده است. در سال ۱۳۹۹ روزانه معادل یک میلیون و دویست و هفتاد هزار بشکه در بخش خانگی، یک میلیون و صد و پنجاه هزار بشکه در بخش صنعت و نهمصد هزار بشکه نفت خام در بخش حمل‌ونقل مصرف شده است.

سهم مصرف انرژی بخش خانگی در ایران به طور معناداری بیشتر از کشورهای دیگر است.



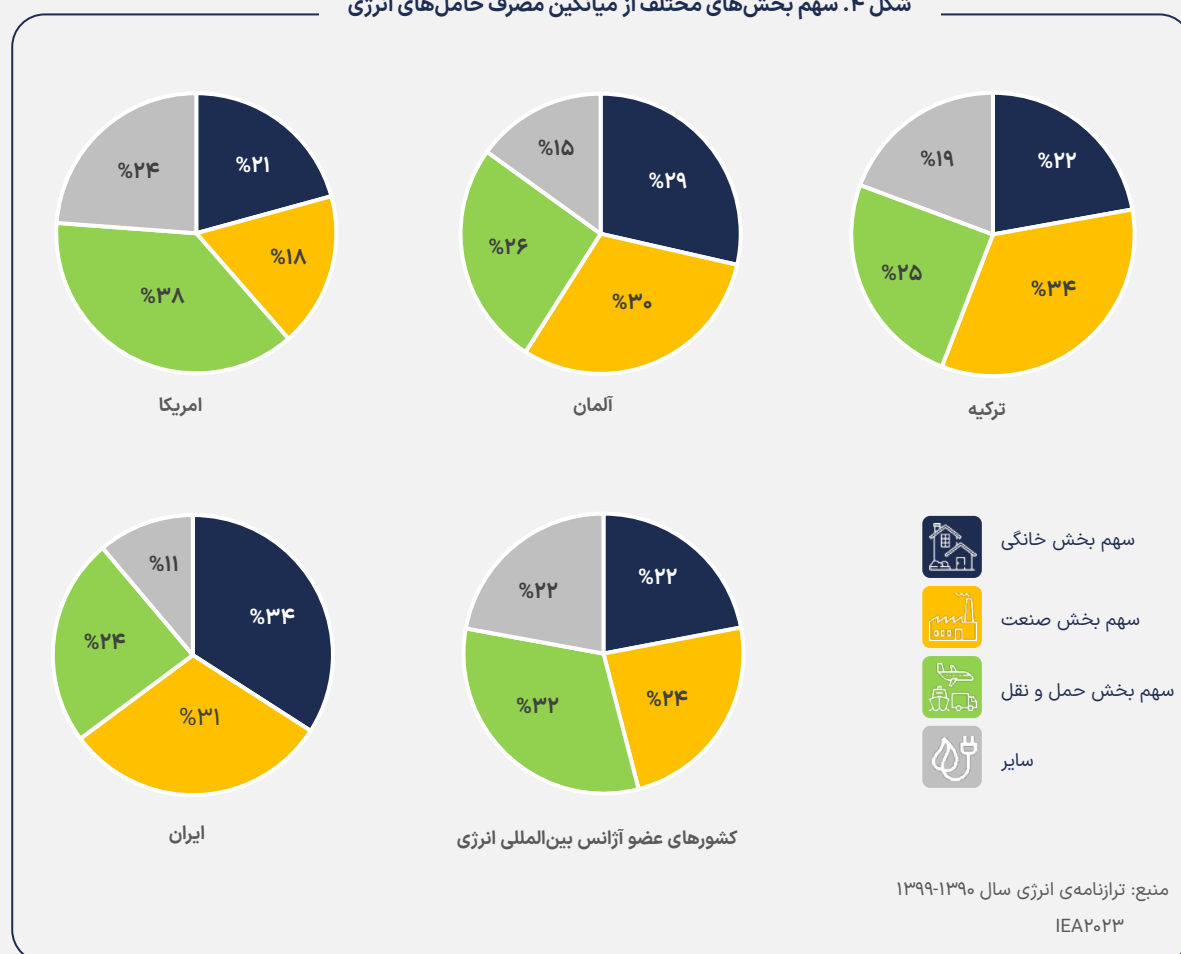
مقایسه‌ی سهم هر کدام از بخش‌های فوق در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته راهنمای مناسبی برای بررسی وضعیت مصرف انرژی در ایران است. البته در این مقایسه‌ی بین‌کشوری، ویژگی‌های طبیعی از جمله وسعت کشور و میانگین دمای سالانه باید در نظر گرفته شود. شکل ۴ سهم بخش‌های مختلف از مصرف انرژی ایران را در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته‌ی آمریکا و آلمان، کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی و ترکیه در سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد. در این مقایسه سهم بخش‌های خانگی، حمل‌ونقل و صنعت مقایسه شده و بخش‌های کشاورزی، خدمات و سایر مصارف به جهت سهولت مقایسه با سایر کشورها و مطابق با دسته‌بندی آنها در یکدیگر ادغام شده‌اند.

سهم مصرف انرژی بخش خانگی در ایران به‌طور معناداری بیشتر از کشورهای دیگر است و بیشترین سهم در سبد مصرفی انرژی خانوار نیز به مصرف گاز اختصاص دارد. با وجود سهم بالای گاز در مصرف خانگی و میانگین دمای ایران که بالاتر از میانگین دمای آمریکا، آلمان و ترکیه است، تفاوت دمای کشورها توانایی توضیح‌دهندگی تفاوت مصرف انرژی در بخش خانگی را نخواهد داشت. قیمت انرژی برای مصرف خانگی در ایران بسیار ارزان است. برای مثال قیمت هر کیلووات برق خانگی برای مصرف‌کننده‌ی ایرانی در سال ۲۰۲۲ کمتر از ۵/۵ سنت دلار است؛ در حالی‌که در آلمان ۵۶ سنت دلار، در آمریکا ۱۸ سنت دلار و در ترکیه ۹ سنت دلار است. قیمت گاز مصرف خانگی در ایران به ازای هر مترمکعب تقریباً صفر، در آلمان ۳۳ سنت دلار، در آمریکا ۶ سنت دلار و در ترکیه ۲/۴ سنت دلار است. نتیجه‌ی قیمت‌گذاری‌های بخش انرژی و عدم‌تعدیل دوره‌ای آن با هدف کاهش فشار تورم بر زندگی مردم، همواره نتیجه‌ی معکوس داشته و خود به‌صورت ناترازی اقتصاد کلان موجب کسری بودجه و تورم‌های آتی شده است.

بررسی سهم بخش صنعت نیز از کل مصرف انرژی بسیار مهم است. سهم مصرف انرژی بخش صنعت در آلمان و ترکیه تقریباً با ایران برابر است. با توجه به میزان استانداردهای بخش صنعت در کشور آلمان و مقایسه‌ی آن با استانداردهای این بخش در ایران، ناکارایی و انرژی‌بری صنایع در ایران مشهود است. قیمت برق در ایران برای صنایع مختلف متفاوت است، لیکن از مقایسه‌ی تقریبی قیمت انرژی مصرفی صنعت بین کشورهای مختلف، همچنان ایران یکی از کشورهایی است که انرژی را به قیمت بسیار پایینی در اختیار صنایع قرار می‌دهد. در بخش‌های بعدی این گزارش سناریویی بررسی می‌شود که طی آن قیمت انرژی برای صنایع واقعی می‌شود تا آثار آن بر اقتصاد ایران روشن شود.

مصرف بخش حمل‌ونقل ایران تقریباً با سایر کشورها مشابه است. بدیهی‌ست اگر اثر زیرساخت‌های حمل‌ونقل و سرانه‌ی وسیله‌ی نقلیه بررسی شود، مصرف انرژی در بخش حمل‌ونقل ایران بیشتر از سایر کشورها خواهد بود؛ امری که ناشی از ناکارایی وسایل نقلیه‌ی مورد استفاده در ایران است.

شکل ۴. سهم بخش‌های مختلف از میانگین مصرف حامل‌های انرژی



۴. حامل‌های انرژی و مصرف‌کننده‌ی نهایی

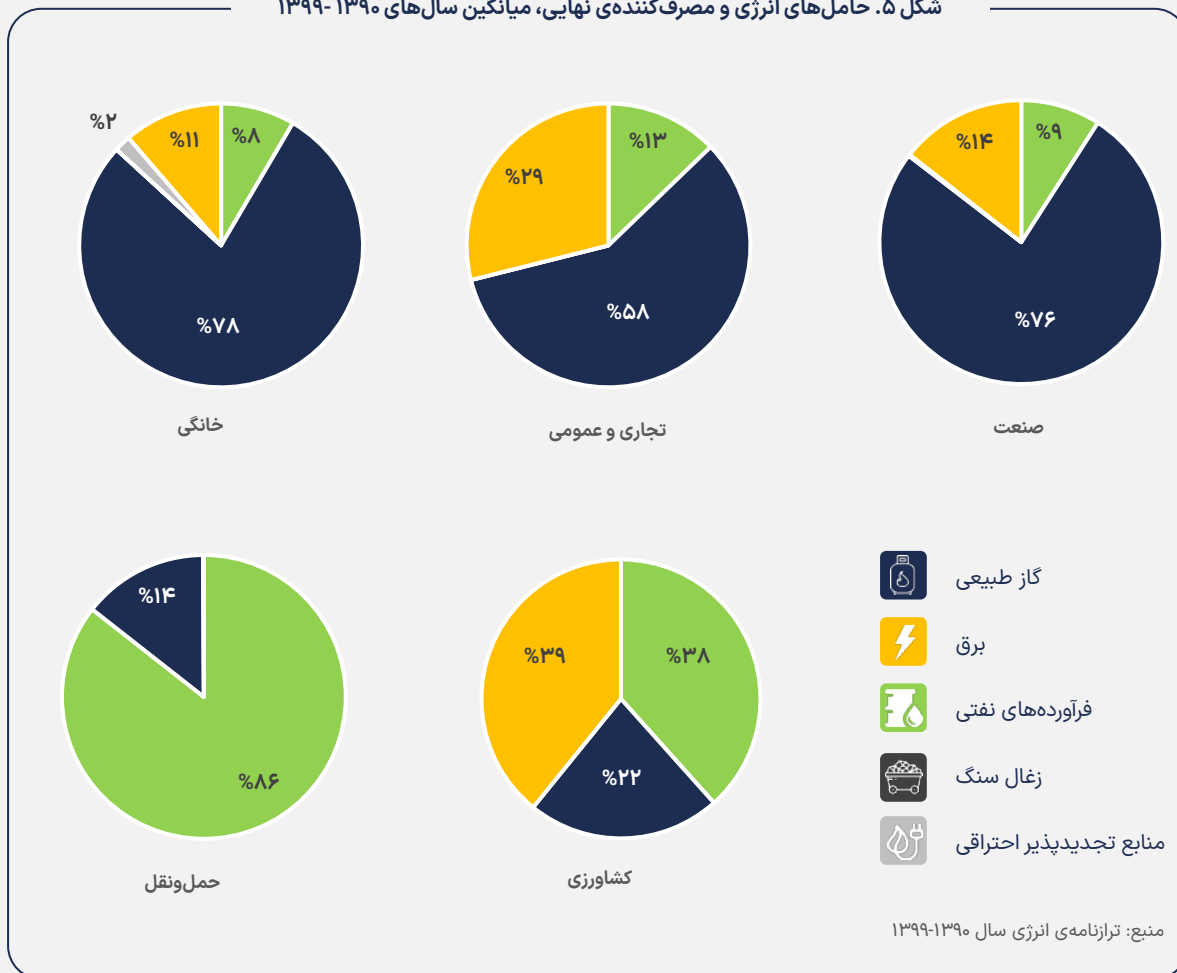
شکل ۵ سهم حامل‌های انرژی در سبد مصرفی بخش خانگی، عمومی و تجاری، صنعت، حمل‌ونقل و کشاورزی در اقتصاد ایران را نشان می‌دهد. توجه به اجزای تشکیل‌دهنده‌ی سبد انرژی، برای بازیگران آن نظیر خانوارها، بنگاه‌های اقتصادی و دولت حائز اهمیت بوده و بر اتخاذ سیاست‌های کارا و بهینه‌یابی‌ها اثرگذار است. همان‌طور که در بخش قبل توضیح داده شد، با توجه به مزیت نسبی ناشی از منابع طبیعی ایران، تقریباً تمام سبد انرژی بخش‌های مختلف با نفت و گاز پر شده است، به‌ویژه که درصد بالایی از برق نیز از گاز و فرآورده‌های نفتی تولید می‌شود.

ترکیب حامل‌های انرژی مصرفی در بخش خانگی از تنوع مطلوبی برخوردار نیست؛ گاز طبیعی سهم بسیار زیادی از انرژی مصرفی در بخش خانگی را تشکیل می‌دهد. این امر ناشی از سیاست‌های چهار دهه‌ی گذشته بوده که به‌خصوص در روستاها سیاست گازرسانی به‌جای سیاست انرژی‌رسانی دنبال شده است. جدابودن وزارتخانه‌ی نفت و نیرو از یکدیگر، منجر به اتخاذ این تصمیم‌های غیربهینه شده و به تمام مناطق کم‌جمعیت کشور، هم برق و هم گاز رسانده شده است. به بهانه‌ی بهره‌گیری همگان از مزیت‌های کشور در سوخت‌های فسیلی، سال‌های متمادی انتقال گاز به روستاها و شهرهای مختلف کم‌جمعیت به عنوان طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای مورد توجه دولت‌های وقت بوده است. علاوه بر تحمیل هزینه‌های عمرانی بالا، این سیاست با تخصیص نامناسب نیز همراه بوده است، به‌گونه‌ای که بسیاری از روستاهایی که میلیاردها تومان صرف انتقال خطوط لوله‌ی گاز به آنجا شده است، در فاصله‌ی کوتاهی پس از بهره‌برداری، از سکنه خالی شده‌اند. راه‌کار جایگزین انتقال برق و تأمین مالی خرید وسایل برقی بوده که هزینه‌های کمتری متوجه اقتصاد کشور می‌کرد. دومین پیامد اتخاذ این سیاست، کاهش تنوع سبد مصرفی بخش خانوار است که با توجه به امنیت پایین‌تر خط لوله‌ی گاز، و نبود جایگزین مناسب، تأمین انرژی خانگی در شرایط خاص و فصول سرد سال با مشکل قطعی گاز شبیه به اتفاقات سال‌های اخیر روبه‌رو خواهد شد.

وجود برخی مناطق خالی از سکنه‌ی دور افتاده که خط لوله‌ی انتقال گاز با صرف میلیاردها تومان هزینه به آنها رسیده است، از نتایج دنبال‌کردن سیاست گازرسانی به‌جای سیاست انرژی‌رسانی است.



شکل ۵. حامل‌های انرژی و مصرف‌کننده‌ی نهایی، میانگین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۹



در سبد مصرفی بخش صنعت نیز سهم بسیار بالایی به گاز طبیعی اختصاص دارد. سوخت‌های فسیلی به‌عنوان منبع اصلی تأمین انرژی در بخش صنعت سایر کشورهای دنیا هم مورد استفاده بوده و بخش صنعت در ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. سبد مصرف انرژی در بخش کشاورزی از تنوع نسبتاً بیشتری نسبت به سایر بخش‌ها برخوردار است. در بخش حمل‌ونقل نیز همان‌طور که انتظار می‌رود حدود ۸۶ درصد ترکیب سبد انرژی مصرفی را فرآورده‌های نفتی تشکیل می‌دهند. بخش حمل‌ونقل یکی از بخش‌های پرمصرف انرژی است که علت آن علاوه بر ارزان بودن قیمت، مصرف انرژی بالای ناوگان فرسوده‌ی حمل‌ونقل موجود است که باعث این سطح از مصرف انرژی در این بخش شده است.

۵. ایران دریایی از منابع انرژی

کشوری که ۹ درصد از ذخایر نفت و ۱۷ درصد از ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد، بحرانی به نام انرژی دارد.

در بخش قبل، مصرف انرژی از دیدگاه محل تأمین آن و از زاویه‌ی مصرف‌کننده بررسی شد. در این بخش به بررسی ظرفیت‌های تولید و تبدیل انرژی در ایران به‌مثابه‌ی کشوری نفتی خواهیم پرداخت. مطابق تمام گزارش‌های بین‌المللی، ذخایر نفت درجا (نفت موجود در مخازن) در ایران قابل‌توجه است. حجم این ذخایر به‌گونه‌ای است که ایران را در زمره‌ی غنی‌ترین کشورها از منظر منابع نفتی و گازی قرار می‌دهد. البته به دلیل عدم سرمایه‌گذاری لازم، عدم پیگیری سیاست‌های کارا در زمینه‌ی بازیافت‌های ثانویه و ثالثیه و همچنین جنس و طبیعت مخازن نفتی ایران، درصد بالایی از این ذخایر نفت درجا قابل‌استخراج نیست. تا پایان سال ۹۹ مجموع ذخایر قابل استحصال نفت، مایعات و میعانات گازی در ایران معادل ۱۵۹ میلیارد بشکه نفت خام برآورد شده است. برای فهم بزرگی این عدد کافی است به تولید روزانه‌ی نفت ایران قبل از تحریم که حدود ۴ میلیون بشکه است توجه کنیم. در این صورت، استخراج آن بیش از ۸۵ سال به‌طول خواهد انجامید. از این جهت ایران پس از ونزوئلا، عربستان و کانادا چهارمین کشور با بیشترین ذخایر نفتی در جهان است و حدود ۹ درصد از ذخایر نفت جهان را به خود اختصاص داده است.

علاوه بر نفت، ایران پس از روسیه، بزرگترین ذخایر گاز دنیا را نیز در اختیار دارد. در سال ۱۳۹۹، در مجموع ۲۱ میدان گازی واقع در مناطق خشک و دریایی ایران فعال بوده‌اند. ذخایر قابل استحصال گاز طبیعی حدود ۳۳ تریلیون مترمکعب گزارش شده است که حدود ۶۰ درصد این ذخایر در مناطق دریایی است و عمدتاً با کشورهای همسایه مشترک است. پس از روسیه، ایران با دارا بودن ۱۷ درصد از ذخایر گازی جهان، رتبه‌ی دوم را به خود اختصاص داده است.

از چالش‌های منابع نفت و گاز ایران می‌توان به بالا بودن عمر مخازن کشور و افت تولید آنها، پایین بودن ضریب بازیافت و عدم اجرای طرح‌های ازدیاد برداشت، مانند تحقق نیافتن کامل اهداف برنامه‌ی تزریق گاز در سال‌های اخیر، اشاره کرد. در حال حاضر ایران در میان کشورهای نفتی، کم‌ترین نسبت تولید به ذخایر موجود را دارد. علاوه بر موارد ذکر شده، بخش قابل‌توجهی از مخازن نفتی و گازی ایران با سایر کشورها مشترک بوده و عدم سرمایه‌گذاری ایران برای استخراج این منابع، به معنی از دست دادن سهم ایران در میادین مشترک است.

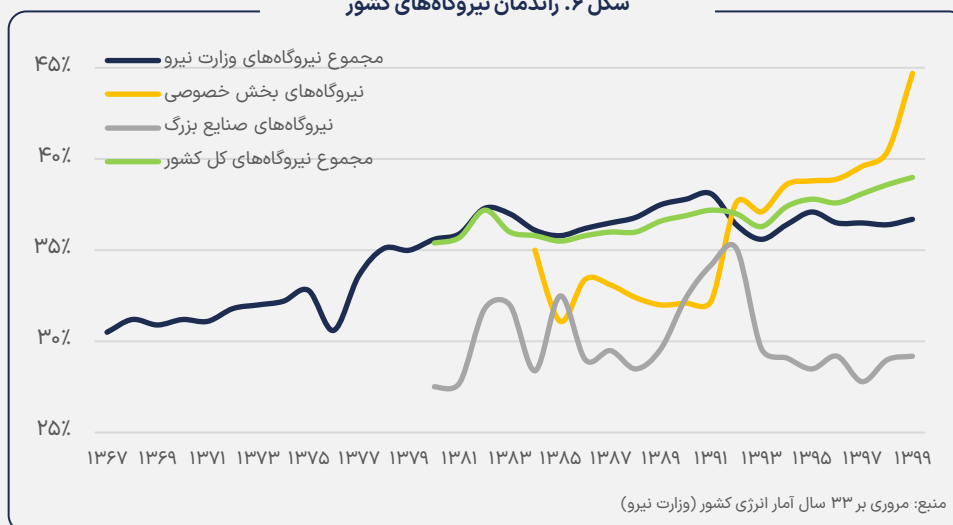
از دیگر ظرفیت‌های قابل‌بررسی انرژی در ایران، توان تولید برق است. در سال ۱۳۹۹ مجموع ظرفیت اسمی نیروگاه‌های کشور معادل ۸۵,۳۷۶ مگاوات بوده که بیش از ۸۲ درصد آن مربوط به نیروگاه‌های گازی، بخار و سیکل ترکیبی است و عملاً تبدیل انرژی نفت و گاز به برق است. کمتر از ۱۵ درصد ظرفیت اسمی تولید برق ایران مربوط به نیروگاه‌های برق‌آبی است؛ این مقدار با توجه به میزان بارش برف و باران در سال‌های مختلف، تغییر می‌کند. سایر ظرفیت‌های تولید برق که از منابعی غیر از نفت و گاز و آب استفاده می‌کنند، سهم اندکی از تولید برق کشور را تشکیل می‌دهند.



در ارتباط با نیروگاه‌های تولید برق، بررسی روند خصوصی‌سازی این صنعت ضروری است. از سال ۱۳۸۴ و بعد از ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴، واگذاری نیروگاه‌های کشور به بخش خصوصی و نهادهای عمومی آغاز شده است. پیامد طبیعی مورد انتظار بعد از واگذاری و تغییر مدیریت نیروگاه‌ها، افزایش کارایی و راندمان واحدهای خصوصی و گسترش سرمایه‌گذاری جدید در این بخش است. شکل ۶ راندمان نیروگاه‌های کشور به تفکیک خصوصی، دولتی و نیروگاه‌های متعلق به صنایع بزرگ را نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۸۴ و هم‌زمان با واگذاری نیروگاه‌ها، میزان راندمان نیروگاه‌های کل کشور برابر با ۳۵/۸ درصد بوده است. این میزان تا پایان سال ۹۹ به عدد ۳۹ درصد رسیده است که در حدود راندمان جهانی است. مطابق اطلاعات معاونت امور برق و انرژی وزارت نیرو، در این دوره راندمان نیروگاه‌های بخش دولتی بهبود نیافته است، اما راندمان نیروگاه‌های بخش خصوصی (جدید احداث شده و واگذار شده به بخش خصوصی) افزایش قابل‌قبولی داشته است. سال ۱۳۹۲ به واسطه خصوصی‌سازی برخی از نیروگاه‌های دولتی، به‌ویژه نیروگاه‌های سیکل ترکیبی با راندمان بالا، میانگین راندمان بخش خصوصی افزایش قابل‌توجهی یافته است و راندمان نیروگاه‌های بخش دولتی افت نسبی داشته‌اند. نکته‌ی بسیار مهم، وضعیت راندمان نیروگاه‌هایی است که مالکیت آن با صنایع بزرگ است. حدود ۷ درصد از ظرفیت برق تولیدی کشور متعلق به این نیروگاه‌هاست. راندمان این نیروگاه‌ها در حدود ۳۰ درصد است، یعنی انگیزه‌ی اقتصادی لازم برای بهبود، نوسازی و افزایش راندمان در صنایع بزرگ هم وجود نداشته است.

شکل ۶. راندمان نیروگاه‌های کشور



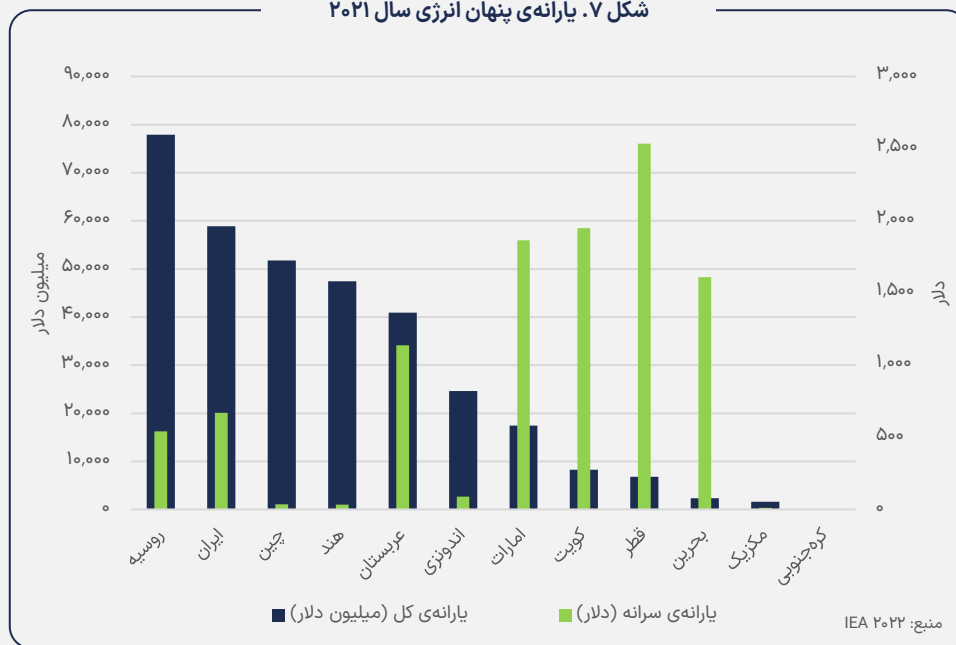
علاوه بر سوخت‌های فسیلی، ایران در زمینه‌ی تولید انرژی‌های پاک نیز دارای مزایایی فراوان است. انرژی‌های تجدیدپذیر یا انرژی‌های پاک از منابع طبیعی یا فرآیندهایی حاصل می‌شود که در کوتاه‌مدت و به طور طبیعی مجدداً جایگزین می‌شوند. امروزه حدود ۱۴ درصد از کل تولید انرژی جهان از انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین می‌شود. با این حال در ایران، این انرژی بیشتر در روستاهای دوردست و خارج از شبکه، به‌صورت بسیار محدود استفاده شده است. ظرفیت‌های فراوانی در بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر خصوصاً سلول‌های خورشیدی و توربین‌های بادی در کشور وجود دارد، اما سرمایه‌گذاری در این بخش محدود بوده است. در دهه‌ی گذشته، با یارانه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بسیار زیادی که کشورهای توسعه‌یافته انجام داده‌اند، هزینه‌ی تمام‌شده‌ی پنل‌های خورشیدی بیشتر از ۵۰٪ کاهش یافته است. انگیزه‌ی بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، به دلیل جهش‌های ارزی و عدم پرداخت مطالبات سرمایه‌گذاران بخش خصوصی توسط ساتبا، بسیار کاهش یافته است.

۶. نفت بر سر سفره‌ی مردم

قیمت‌گذاری دستوری، مداخلات قیمتی و یارانه‌ی پنهان سه نام متفاوت برای پدیده‌ای واحد است. تفاوت قیمت دریافت‌شده از مصرف‌کنندگان و آنچه در صورت عدم‌مداخله‌ی دولت باید پرداخت می‌شد، یارانه‌ی پنهانی است که به مصرف‌کنندگان پرداخت می‌شود. از مهم‌ترین ویژگی‌های این یارانه، تأثیر آن بر میزان مصرف است. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی پس از روسیه، ایران دومین کشوری است که بیشترین یارانه را در حوزه‌ی انرژی پرداخت می‌کند. شکل ۷ نشان می‌دهد یارانه‌ی انرژی در ایران حتی نسبت به کشورهای نفتی حوزه‌ی خلیج فارس هم بیشتر است. البته اگر یارانه‌ی انرژی را بر اساس جمعیت کشورها محاسبه کنیم، یارانه‌ی پنهان انرژی پرداختی در ایران بعد از کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، لیبی و ونزوئلا قرار می‌گیرد. در سال‌های گذشته، بحران کرونا و جنگ روسیه و اوکراین در فزونی یارانه‌های پرداختی تأثیر جدی داشته است.

سیاست‌گذار مستاصل از رفع تورم مزمن و دو رقمی، بدون توجه به راهکارهای رفع تورم، از قدرت قهری خود برای دخالت در بازارهای مختلف از جمله بازار انرژی استفاده می‌کند. دولت مدعی است با کاهش دستوری قیمت انرژی به عنوان یکی از نهادهای تولید به کاهش بهای تمام‌شده‌ی بنگاه‌ها کمک کرده و مانع از افزایش قیمت محصولات آنها شده است. با تکیه بر سابقه‌ی تاریخی، مردم نیز تأمین برخی از کالاها و خدمات از جمله انرژی ارزان قیمت را وظیفه‌ی دولت می‌دانند.

شکل ۷. یارانه‌ی پنهان انرژی سال ۲۰۲۱



ایران دومین کشوری است که بیشترین یارانه را در حوزه‌ی انرژی پرداخت می‌کند.

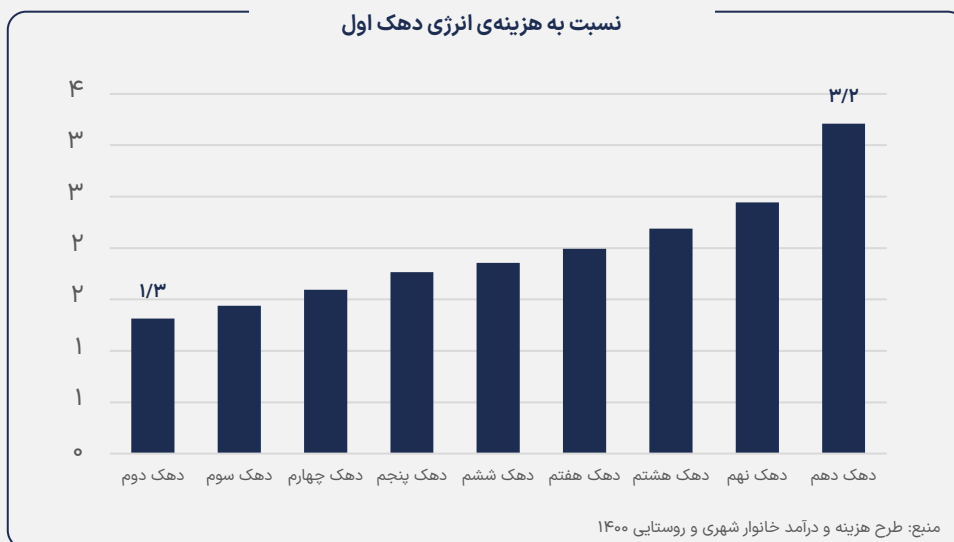
یکی از مهم‌ترین معضلات یارانه‌ی پنهان انرژی، ناعادلانه‌بودن توزیع آن بین مردم است. هر که انرژی بیشتر مصرف کند، از این یارانه بیشتر منتفع می‌شود که اساساً در تعارض با مفهوم پرداخت یارانه است. برای بررسی این تعارض، در شکل ۸ میزان هزینه‌ی انرژی پرداختی توسط خانوار، در دهک‌های مختلف درآمدی بررسی شده است. مطابق این شکل، دهک دهم (ثروتمندترین دهک) تقریباً ۳ برابر بیشتر از دهک اول بابت انرژی، هزینه پرداخت می‌کند. پرداخت یارانه بر اساس مصرف، یعنی به دهک ثروتمندتر، سه برابر بیشتر از دهک فقیرتر یارانه پرداخت می‌شود.

۱ یارانه‌ی پنهان انرژی را با استفاده از مفهوم هزینه‌ی فرصت نیز می‌توان توضیح داد. هزینه‌ی فرصت مصرف یک مترمکعب گاز طبیعی در داخل کشور، برابر با مابه‌التفاوت هزینه‌ی پرداختی توسط مصرف‌کنندگان و قیمت جهانی گاز طبیعی است.

۲ Fossil Fuels Consumption Subsidies 2022, IEA (2023).

توزیع یارانه‌ی پنهان انرژی بر اساس مصرف، یعنی هر که انرژی بیشتری مصرف می‌کند، یارانه‌ی بیشتری دریافت می‌کند که ناعادلانه‌ترین نوع پرداخت یارانه است.

شکل ۸. نسبت هزینه‌ی انرژی خانوار هر دهک
نسبت به هزینه‌ی انرژی دهک اول



توزیع ناعادلانه‌ی یارانه‌ی انرژی بحث بسیار مهمی است که در بحران‌های انرژی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. حل این موضوع با واقعی‌سازی قیمت انرژی و توزیع عادلانه‌ی سود حاصل از یارانه بین مردم و بر اساس معیارهای متداول اقتصادهای توسعه‌یافته امکان‌پذیر است. توزیع یارانه‌ی ربالی معادل یارانه‌های پنهان انرژی طرحی است که به صورت ناقص در اواخر دهه‌ی هشتاد با عنوان «هدفمندی یارانه‌های انرژی» انجام شد. این طرح به جای حل مشکل قیمت انرژی، تا سال‌ها کسری بودجه در اقتصاد کشور را نهادینه کرد و تومی ایجاد کرد که عملاً تمام دستاوردهای طرح را از بین برد.

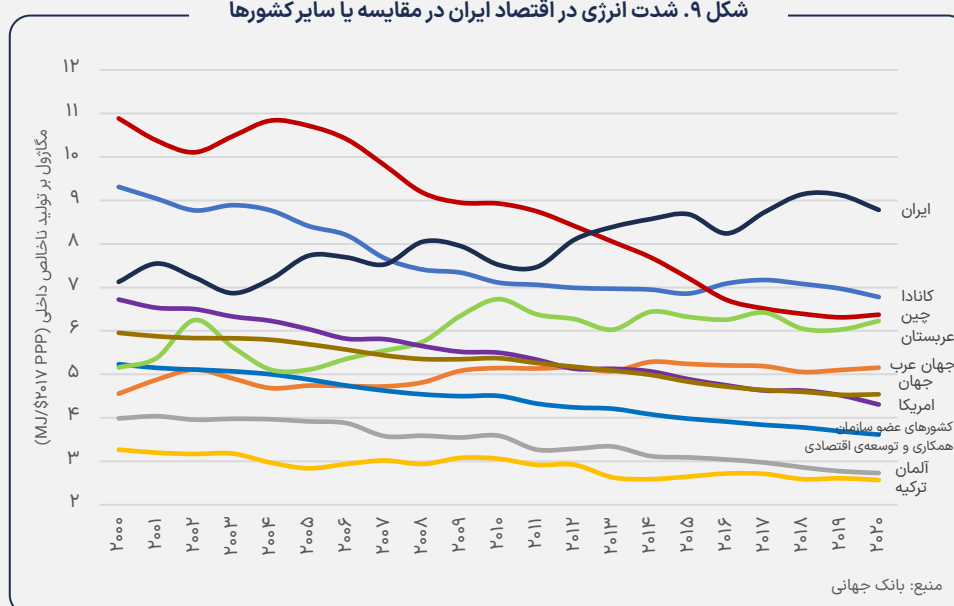
از دیگر معضلات یارانه‌ی پنهان انرژی می‌توان به کسری بودجه، قاچاق سوخت، مصرف فرآیندهای انرژی، خاموشی‌های تابستان و قطع گاز در زمستان اشاره کرد؛ معضلاتی که هر چند سال یک بار به عنوان بحران اصلی کشور مورد توجه قرار می‌گیرد و دولت‌ها مجبور می‌شوند قیمت حامل‌های انرژی را افزایش دهند. یکی دیگر از مشکلات قیمت‌گذاری دستوری انرژی در ایران، از بین بردن انگیزه‌ی بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در تولید انرژی است. هزینه‌های توسعه‌ی تولید انرژی (نفت و گاز) و تبدیل انرژی (نیروگاه برق) همگی بر اساس نرخ‌های بین‌المللی محاسبه می‌شوند. این در حالی است که درآمد این طرح‌ها ربالی تعیین می‌شود و این درآمدهای ربالی نیز سال‌های متوالی با رشد قیمت ارز و حتی نرخ تورم تعدیل نمی‌شود. نتیجه آن‌که طرحی که در زمان تصمیم‌گیری برای اجرا، امکان‌پذیر بوده و سود متعارفی نیز داشته، بعدها حتی توان پرداخت هزینه‌های عملیاتی خود را ندارد. در چنین فرآیندی، سرمایه‌گذاران بخش خصوصی فقط با امکان دریافت وام‌های صندوق توسعه ملی، اقدام به سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز و برق خواهند کرد و عملاً ریسک سرمایه‌گذاری را به دولت و انباشت مطالبات نظام بانکی منتقل می‌کنند. برای مثال تا پایان سال ۱۴۰۰، تنها کمتر از یک چهارم مطالبات سررسیدشده‌ی دولت برای احداث بخش بخار نیروگاه‌های سیکل ترکیبی بازپرداخت شده است.

مصرف فزاینده‌ی انرژی ناشی از قیمت‌گذاری و یارانه‌ی پنهان انرژی، جنبه‌ی دیگری از عدم‌تعادل ایجادشده در اقتصاد کلان است. نظام قیمت‌گذاری سبب بروز تغییراتی در انگیزه‌های افراد می‌شود. به‌طور مثال، مصرف‌کنندگان خانگی انگیزه‌ای برای بهبود وضعیت مصرف و همین‌طور استفاده از وسایل با بهره‌وری بالاتر ندارند و از لوازم خانگی قدیمی خود استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، تقاضاکنندگان صنعتی و صاحبان کسب‌وکار نیز انگیزه‌ی بهبود بهره‌وری در صنایع خود را ندارند. برای درک بهتر چنین شرایطی در ادبیات اقتصادی از مفهومی به نام «شدت انرژی» استفاده می‌شود. شدت انرژی بیانگر مقدار انرژی استفاده‌شده برای تولید سطح مشخصی از محصول (کالا و خدمات) است. به عبارت بهتر این نسبت از تقسیم مصرف انرژی بر تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید. با بهره‌گیری از این مفهوم می‌توان عدم‌کارایی اقتصاد کشورهای مختلف در زمینه‌ی بهره‌وری انرژی را نشان داد.

در شکل ۹ شدت انرژی در اقتصاد ایران با کشورهای جهان عرب، کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی، کل جهان و چند کشور نمونه نشان داده شده است. مطابق داده‌های بانک جهانی، ایران یکی از کشورهای است که شدت مصرف انرژی بسیار بالایی دارد. حتی با در نظرگرفتن متوسط دمای کشورها، شدت انرژی در ایران بسیار بالاست. سطح شدت انرژی در جهان و کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته روند نزولی داشته است؛ یعنی با گذر زمان و رشد اقتصادی، مصرف انرژی آنها کمتر شده است. کشورهای جهان عرب روند ثابتی داشته‌اند. شدت انرژی در عربستان از سال ۲۰۱۰ روند ثابتی دارد، یعنی معادل آنچه در این سال‌ها بر مصرف انرژی افزوده شده است، تولید ناخالص داخلی رشد داشته است. از میان کشورهایی که در شکل ۹ روند مصرف انرژی آنها بررسی شده است، ایران تنها کشوری است که روند صعودی داشته است. همان‌طور که در بخش‌های قبل هم اشاره شد، مصرف انرژی به‌صورت میانگین، سالانه ۵ درصد افزایش یافته است و این امر در حالی است که تولید ناخالص داخلی به صورت میانگین سالانه کم‌تر از ۳ درصد افزایش یافته است.

مسئله‌ی کاهش شدت انرژی، همراه با رشد اقتصادی در کشورهای درحال‌توسعه بسیار با اهمیت است، و کشورها را در دستیابی به توسعه‌ی پایدار یاری می‌رساند. حتی در صورتی‌که کشوری مثل ایران از طریق اتکا به منابع طبیعی انرژی خود، یعنی نفت و گاز، قصد توسعه و پیشرفت داشته باشد، این ضریب باید در طول زمان ثابت باشد. اما فزاینده‌بودن این ضریب نشان از عدم‌تعادلی بزرگ است. عدم‌تعادلی که ریشه‌ی اصلی آن تورم مزمن و دورقمی و به‌تبع آن قیمت‌گذاری دستوری انرژی است. در سال‌های گذشته تحریم اقتصاد ایران، کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و عدم‌تشکیل سرمایه‌ی ثابت عوامل دیگری بوده که بر کاهش بهره‌وری اقتصاد و افزایش شدت انرژی در ایران مؤثر بوده است.

شکل ۹. شدت انرژی در اقتصاد ایران در مقایسه با سایر کشورها



۷. بیکاری، صادرات پنهان انرژی و توزیع رانت

در کشورهای نفتی، انرژی جانشین سرمایه و نیروی کار است.^۳ یکی دیگر از نتایج قیمت‌گذاری دستوری انرژی، بیکاری و سوق صنایع و کسب‌وکارهای ایرانی به استفاده از رانت انرژی ارزان به جای نیروی کار است؛ در حالی که سالانه قیمت نیروی کار با نرخ کم‌تر از تورم افزایش می‌یابد، ثابت‌ماندن قیمت حامل‌های انرژی به مدت طولانی، باعث شده تا صنایع اصلی کشور، صناعی باشند که با تکیه بر مصرف انرژی رشد می‌کنند. در نتیجه، رشدهای اقتصادی ایران تأثیری بر نرخ بیکاری و مشارکت اقتصادی نیروی کار نداشته است. برای مثال، از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ که میانگین رشد اقتصادی سالانه ایران ۳/۵ درصد بوده، میزان اشتغال ایجادشده فقط ۱۳۰ هزار نفر است، در حالی که بیش از ۸ میلیون نفر در این سال‌ها باید وارد بازار کار می‌شدند.

به واسطه انرژی ارزان یا همان رانت نهاده‌ی تولیدی رایگان، بسیاری از واحدهای صنعتی در حال حاضر سودده و صادرکننده‌اند. در صورت نبود یارانه‌های انرژی، به دلیل عدم‌توجه به مزیت‌های نسبی و انتخاب مقیاس نامناسب تولید، عدم‌بهره‌گیری از تکنولوژی‌های روز و به‌صورت کلی به دلیل بهره‌وری بسیار پایین، این شرکت‌ها با مشکلات بسیاری روبه‌رو خواهند شد. به عبارت بهتر اقتصاد ایران به اقتصادی انرژی‌بر تبدیل شده و تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از بنگاه‌ها در حقیقت در حال صادرات پنهان انرژی‌اند. شرایط قیمت‌گذاری انرژی در ایران به فعالیت اقتصادی بدون توجه به مزیت‌های نسبی هر منطقه و بیشتر بر اساس رقابت سیاست‌مداران در آن منطقه جهت می‌دهد. به‌طور مثال، در منطقه‌ی بنباب در استان آذربایجان شرقی که سابقه‌ی قابل‌توجه در بخش کشاورزی دارد، تعدادی واحدهای کوچک فعال در صنعت فولاد شکل گرفته است. بسیاری از این واحدها از مقیاس تولیدی مناسبی برخوردار نیستند و ارزش افزوده‌ی حقیقی خلق نمی‌کنند، بلکه بیشتر از رانت حاصل از انرژی بهره می‌برند.

تداوم پرداخت یارانه و اطمینان یارانه‌بگیران از تکرار آن در سال‌های آتی باعث شده است که انجام اقدامات لازم جهت بهینه‌سازی مصرف انرژی، افزایش بهره‌وری ماشین‌آلات و توسعه‌ی فناوری‌های بنگاه‌های تولیدی صرفه‌ی اقتصادی نداشته باشد. همچنین پرداخت یارانه‌ی انرژی به بنگاه‌های فعال در صنایع متمرکز بر فرآوری اولیه‌ی محصولات خام، باعث عدم‌خلق ارزش افزوده‌ی قابل‌توجه از منابع طبیعی کشور شده است. در چنین شرایطی، صرفاً به واسطه‌ی مزیت نسبی قیمت انرژی برای بنگاه‌های فعال در داخل کشور، صادرات انجام شده است.

برای درک بهتر تأثیر قیمت‌گذاری انرژی بر حاشیه‌ی سود برخی از صنایع و بنگاه‌ها، تأثیر یارانه‌ی پنهان انرژی را برای برخی شرکت‌های منتخب حاضر در بازار سرمایه بررسی کرده‌ایم. برای این منظور با توجه به آخرین داده‌های در دسترس، از گزارش مربوط به انرژی مصرفی بنگاه‌ها (منتشرشده در سامانه‌ی جامع اطلاع‌رسانی ناشران-کدال) در سال ۱۴۰۰ استفاده کرده‌ایم. در این محاسبات اثر تغییر قیمت دو حامل انرژی گاز و برق بررسی و اثر «تبدیل قیمت انرژی در سال ۱۴۰۰ به قیمت‌های جهانی» بر «سود شرکت‌ها» تحلیل شده است. البته، با افزایش قیمت انرژی صنایع در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲، بخشی از پیش‌بینی انجام‌شده در محاسبات ما، به‌وقوع پیوسته است. برای قیمت گاز، ۸۰ درصد میانگین قیمت صادرات گاز ایران به ترکیه و عراق تقریباً معادل ۲۸ سنت دلار به‌ازای هر مترمکعب به‌عنوان معیار در نظر گرفته شده است. مطابق گزارش شرکت توانیر در سال ۱۴۰۰، میانگین نرخ برق صادراتی توسط شرکت توانیر به کشورهای عراق، افغانستان و پاکستان هر کیلووات ساعت معادل ۸/۸ سنت دلار بوده، که ۸۰ درصد آن، معادل ۷ سنت دلار به‌عنوان قیمت برق در این محاسبات لحاظ شده است. نرخ تسعیر ارز (در سال ۱۴۰۰) ۲۰ هزار تومان بوده است.

سال‌هاست اقتصاد ایران به اقتصادی انرژی‌بر تبدیل شده و تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از بنگاه‌ها در حقیقت در حال صادرات پنهان انرژی‌اند.

Yousefi, K. and Farajnia, S. Energy as a Substitute for Factors of Production: Case Study of an Oil Rich Economy. *Middle East Development Journal*, 2022.

شکل ۱۰ بیانگر تغییرات حاشیه سود ناخالص شرکت‌ها پس از حذف یارانه‌های انرژی است. همان‌طور که مشهود است، حاشیه سود ناخالص اکثر شرکت‌های بررسی‌شده تغییرات محسوسی خواهد داشت. محصولات شرکت‌هایی که در سمت چپ طیف این نمودار قرار گرفته‌اند، جهانی و صادراتی بوده و در نتیجه بنگاه توانایی اعمال تغییرات بر روی قیمت را نداشته و نمی‌تواند افزایش بهای تمام‌شده ناشی از تغییرات قیمت انرژی را به مصرف‌کننده منتقل کند. شرکت‌های طیف راست تا حدودی قدرت تحمیل افزایش قیمت محصولات خود، به‌ضرورت افزایش قیمت حامل‌های انرژی، را دارند؛ چرا که واردات و صادرات محصولاتمانند سیمان و کاشی کم است و بیشتر در داخل خود کشورها مصرف می‌شوند.

فاصله ای ایجاد شده در حاشیه سود ناخالص علاوه بر آن‌که نشان‌گر بهره‌وری پایین انرژی در آن صنایع است، نماینده رانت انرژی توزیع‌شده در هر صنعت نیز هست؛ یعنی نشان می‌دهد کدام صنایع نفع بیشتری از وضعیت کنونی برده‌اند. به‌عنوان مثال، نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که صنعت سیمان در صورت حذف یارانه‌های انرژی بیشترین زیان را متحمل می‌شود و برای جبران آن، با توجه به غیرتجاری بودن سیمان (قابل صادرات و واردات نیست)، احتمال افزایش قیمت شدید محصولات سیمان در کشور وجود خواهد داشت. سطح آسیب‌پذیری شرکت‌ها پس از حذف یارانه‌ی انرژی، متناسب با عمر فعالیت شرکت و تکنولوژی استفاده‌شده در آن متفاوت خواهد بود.

با توجه به تعدیل نرخ‌های انرژی بخش پالایشگاهی در سال‌های گذشته، این صنعت کمترین آسیب را از حذف یارانه‌ی انرژی خواهد دید و متوسط حاشیه سود شرکت‌های این صنعت تنها ۳ درصد کاهش خواهد یافت. از آنجاکه پتروشیمی‌ها از گاز مصرفی به عنوان خوراک (ماده‌ی اولیه) استفاده می‌کنند و نرخ خوراک نیز سالانه با حواشی زیاد و بر اساس میانگین قیمت گاز در چهار هاب گازی دنیا تعیین می‌شود، آن صنعت در این بررسی لحاظ نشده است.

تحلیل تغییرات حاشیه سود ناخالص در سایر صنایع (به غیر از سیمانی‌ها و پالایشگاهی‌ها) از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. مطابق اطلاعات شکل ۱۰، تنوع میزان واکنش به حذف یارانه‌های انرژی در صنعت فولاد و فلزات اساسی گسترده‌تر است. این امر ناشی از تفاوت تکنولوژی تولید شرکت‌های این گروه و همین‌طور تفاوت در محصولات تولیدی آنهاست. در صنعت فولاد، اغلب شرکت‌هایی که تولیدکننده‌ی محصولات حلقه‌های ابتدایی زنجیره‌ی ارزش فولاد هستند، زیان بیشتری از تعدیل قیمت انرژی متحمل خواهند شد. در مقابل شرکت‌هایی که محصولات فرآوری‌شده‌تری تولید می‌کنند، آسیب کمتری خواهند دید. در این میان شرکت‌هایی که کل زنجیره را در اختیار دارند نیز به عنوان حد میانی در آسیب‌پذیری ناشی از تعدیل قیمت انرژی قرار خواهند گرفت.

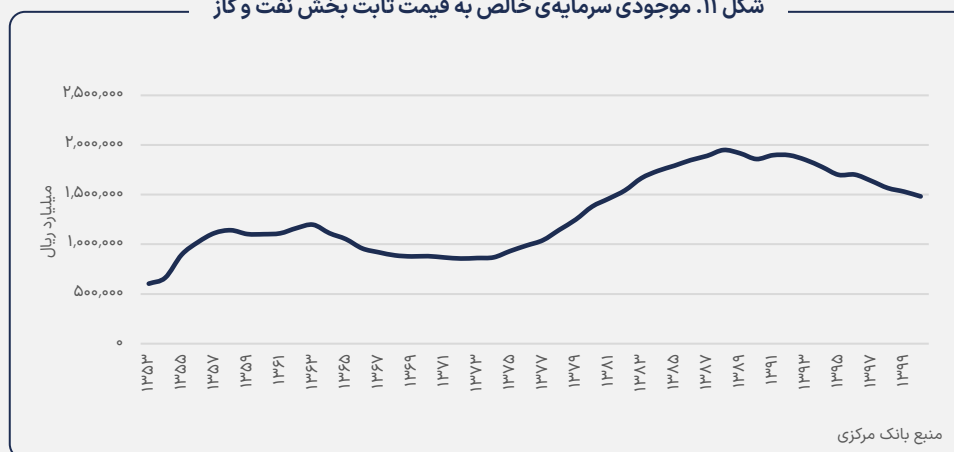
صادرات پنهان انرژی در صورتی‌که با بهره‌وری بالای صنایع همراه باشد، اتفاق مثبتی برای اقتصاد ایران است، اما بخش بزرگی از آن مزیت به دلیل بهره‌وری پایین صنایع از بین می‌رود؛ صناعی که هیچ انگیزه‌ای برای بهبود بهره‌وری، نوسازی، تعمیرات اساسی و توسعه ندارند. برای مثال شرکت آلومینیوم ایران در سال ۱۹۷۲ با ظرفیت اولیه‌ی ۴۵ هزار تن به بهره‌برداری رسید. در کشور بحرین نیز از سال ۱۹۷۱ بهره‌برداری از یک کارخانه‌ی آلومینیوم با ظرفیت ۱۲۰ هزار تن آغاز شده است. اکنون و پس از گذشت حدود پنجاه سال از تأسیس هر دو کارخانه، شرکت بحرینی ظرفیت تولید را به ۵/۱ میلیون تن در سال افزایش داده است، در حالی‌که ظرفیت تولید کارخانه‌ی آلومینیوم ایران به ۱۸۰ هزار تن رسیده است. به عبارت دیگر در طول پنجاه سال، ظرفیت تولید در کارخانه‌ی آلومینیوم ایران حدوداً ۴ برابر و در بحرین بیش از ۱۰ برابر شده است. لازم به ذکر است نرخ انرژی (برق و گاز) تحویلی به صنایع در بحرین، نسبت به ایران بالاتر است، اما میزان سودآوری این شرکت با همتای ایرانی خود قابل‌مقایسه نیست.

در حال حاضر، انرژی سهم انکارناپذیری در تولید کل اقتصاد ایران دارد. بر اساس پژوهش صورت‌گرفته، با افزایش ۱۰ درصدی سرمایه‌گذاری در نهاده‌ی انرژی، تولید کشور به میزان ۳/۷ درصد افزایش خواهد یافت. مشاهده می‌شود که تأثیر نهاده‌ی انرژی از عوامل دیگری نظیر نیروی کار، سرمایه و حتی تحقیق و توسعه بیشتر است. این حساسیت بالا، ریسک کسب‌وکارهای مختلف نسبت به وضعیت بازار انرژی (سهامیه‌بندی‌های فصل سرما و گرما و ...) را بالا خواهد برد.

۸. چشم‌انداز بازار انرژی؛ بازار انرژی به کدام سمت می‌رود؟

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، وضعیت فعلی بازار انرژی مطلوب نیست؛ افزایش قاچاق سوخت، مصرف فرآیندهای انرژی، قطعی برق در تابستان و گاز در زمستان، عدم حضور واقعی بخش خصوصی به دلیل قیمت‌گذاری دستوری، عدم توانایی دولت برای سرمایه‌گذاری در زمان تحریم‌های اقتصادی و تجاری همگی شاهد این ادعا است. در سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در بخش نفت و گاز به عنوان بخش مادر و زیربنای انرژی در ایران، حتی استهلاک سرمایه را نیز پوشش نداده، به طوری که از سال ۱۳۸۹ تاکنون موجودی سرمایه‌ی خالص بخش نفت و گاز در حال کوچک‌تر شدن است (شکل ۱۱)؛ یعنی سرمایه‌گذاری خالص (با کسر استهلاک) انجام‌شده در این بخش منفی بوده است. بر اساس قیمت‌های ثابت و با حذف اثر تورم، کاهش موجودی سرمایه‌ی خالص بخش نفت و گاز در بازه‌ی دهه‌ی نود بیش از ۵۰ درصد بیش‌تر از کاهش سرمایه‌ی خالص در دهه‌ی شصت و دوران جنگ بوده است. اگرچه امروزه تمام توجه سیاست‌گذاران به عبور از بحران‌های جاری معطوف است، اما پیامدهای این زوال سرمایه، در سال‌های آتی به اقتصاد ایران آسیب بیشتری خواهد رساند.

شکل ۱۱. موجودی سرمایه‌ی خالص به قیمت ثابت بخش نفت و گاز

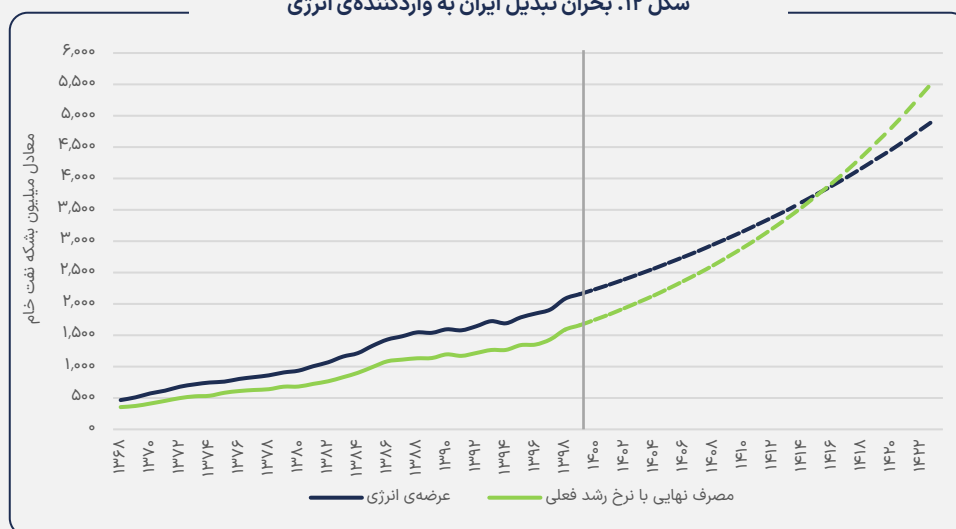


یکی از مسائل فراموش‌شده در اعطای یارانه‌ی انرژی، بی‌توجهی به استهلاک زیرساخت‌های مرتبط با تأمین انرژی است. در حقیقت، اعطای یارانه‌ی انرژی به‌گونه‌ای است که فقط هزینه‌های عملیاتی تأمین می‌شود، و برای آینده‌ی تولید انرژی برنامه‌ریزی نشده است. این عدم‌توجه تا جایی است که امروزه حتی با صرف نظر از کلیه‌ی مسائل و محدودیت‌ها، زیرساخت‌های فعلی جوابگوی تأمین انرژی نیست. بدین ترتیب حتی اهداف ابتدایی اعطای یارانه‌ی انرژی نیز قابل دستیابی نیست.

کاهش موجودی سرمایه‌ی خالص بخش نفت و گاز در دهه‌ی نود بیش از ۵۰ درصد بیش‌تر از کاهش سرمایه این بخش در دوران جنگ بوده است.

با توجه به کاهش شدید سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز، با در نظر گرفتن رشد بالای افزایش مصرف در سال‌های گذشته، ایران که یکی از بزرگترین کشورهای دارای ذخایر نفت و گاز است، امکان استخراج و استفاده از انرژی خود را نداشته و پیش‌بینی می‌شود به واردکننده انرژی تبدیل شود. شکل ۱۲ شرايطی را نشان می‌دهد که بر اساس رشد افزایش مصرف ۳۰ سال گذشته و بر اساس نرخ رشد عرضه در سال ۱۳۹۹، عرضه و تقاضای انرژی در ایران پیش‌بینی می‌شود. مطابق این سناریو، در کمتر از ۱۵ سال آینده، استقلال انرژی ایران از بین خواهد رفت و ایران واردکننده انرژی خواهد بود. این سناریوی فرضی نشان می‌دهد مسیر فعلی بازار انرژی قابلیت تداوم نخواهد داشت و انجام اصلاحات ساختاری در بازار انرژی گریزناپذیر است؛ اصلاحاتی که به تنهایی حلال مشکلات نخواهد بود و به اصلاحات کلی اقتصادی ایران گره خورده است.

شکل ۱۲. بحران تبدیل ایران به واردکننده انرژی



برای مشاهده نتایج پایدار در زمینه بهبود وضعیت انرژی، امکان‌پذیری فنی، اقتصادی و مالی باید مورد توجه قرار گیرد. منظور از امکان‌پذیری فنی، دسترسی به تکنولوژی یا تجهیزات و ماشین‌آلات با بهره‌وری بالاست؛ ضرورتی که تاکنون چندان به آن پرداخته نشده است و باید زمان و سیاست‌های حمایتی لازم جهت تحقق زیرساخت آن اتخاذ شود. منظور از امکان‌پذیری اقتصادی در نظر گرفتن ساختار انگیزشی مصرف‌کنندگان انرژی است. ایجاد ساختارهای لازم جهت تأمین مالی مصرف‌کنندگان و عرضه‌کنندگان جهت ارتقای بهره‌وری و تکنولوژی موضوع دیگری است که در کنار اعتماد مردم و آگاه‌سازی آنان در خصوص دلایل و پیامدهای اصلاحات، باید مورد توجه قرار گیرد.

از منظر دیگر، فرآیند اصلاح بازار انرژی با برنامه‌ریزی متفاوت برای مصرف‌کننده نهایی و آن هم در طول زمان امکان‌پذیر است؛ یعنی برنامه‌ی متفاوت برای خانوار و کسب‌وکارهای صنعتی لازم است. برای خانوارها، اولین مرحله آن است که قیمت تبدیل و انتقال انرژی را پرداخت کنند؛ یعنی در مرحله اول ظرف دوره‌ای حداکثر ۳ ساله، خانوارها هزینه‌های انتقال گاز و هزینه‌های تبدیل (نیروگاه‌های برق) را تا سطح معقولی از مصرف پرداخت کنند. تعیین سقف مصرف برای خانوارها، بهینه‌سازی مصرف و صرفه‌جویی را معنادار می‌کند. برای افزایش بهره‌وری نیروگاه‌های برق، قیمت گاز باید از نیروگاه اخذ شود و به صورت یارانه‌ی مستقیم به مردم پرداخت شود. بدین ترتیب حداقل برای تبدیل انرژی، یارانه‌ای در میان نخواهد بود. موفقیت طرح منوط به اجرای سیاست‌های جبرانی است. واقعی شدن قیمت انرژی به معنای آن نیست که دولت به نیازمندان از طریق طرح‌های تأمین اجتماعی خود کمک نکند یا حتی یارانه‌ی مستقیم نپردازد. اما این کمک‌ها نباید بازار انرژی را از کارکرد آن تهی کند. بازار باید معنا داشته باشد، و یارانه هم به مصرف‌کننده‌ی نیازمند، متناسب با توان بودجه‌ی کشور، پرداخت شود.

برای واحدهای تجاری، کسب‌وکارهای صنعتی و تولیدی، طی یک مدت ۳ ساله، قیمت انرژی باید حدود ۵۰ درصد قیمت انرژی به نرخ‌های بین‌المللی شود؛ و ظرف مدت حداقل ۷ سال، قیمت حامل‌های انرژی به تدریج تا سقف ۸۰ درصد قیمت‌های جهانی افزایش یابد. این قیمت این امکان را به صنایع خواهد داد که توان رقابت بین‌المللی را داشته باشند. علاوه بر آن با توجه به قیمت و هزینه‌های حمل‌ونقل، بحث قاچاق سوخت نیز حل خواهد شد. در این حالت انرژی باید با یک نرخ عرضه شود تا فقط صنایعی که مزیت رقابتی دارند در بازار باقی بمانند. در شرایطی که بهره‌وری به شدت پایین است، قطع کامل یارانه‌ها حتی در میان‌مدت ناممکن است، چرا که ارتقای بهره‌وری در بخش تولید به زمان نسبتاً بلندی نیاز دارد. اگر تمامی این تنها مزیت اقتصاد ایران، یعنی انرژی ارزان، را از بنگاه‌ها بگیریم؛ چه امکان رقابتی برای تولید داخلی و برای صادرات باقی می‌ماند؟

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های دولت، فراهم‌آوردن محیط کسب‌وکاری است که به افزایش بهره‌وری، رشد و ارتقای تکنولوژی در بنگاه‌های تولیدی منجر شود. سیاست دیگر دولت در این زمینه کنترل مصرف و سامان دادن به مدیریت عرضه است که صرفاً با بازسازی سازوکار مناسب برای اصلاح قیمت انرژی و شکل‌دهی به بازار واقعی میسر است. در شرایط فعلی، ثبات اقتصادی و صنعتی کشور و آینده‌ی صنعت در اقتصاد ایران به اجرای سیاست‌های صحیح در حوزه‌ی قیمت‌گذاری انرژی منوط است. تشکلهای صنعتی، تجاری و خدماتی می‌باید از تک‌نرخ شدن قیمت انرژی و در طول ده سال آینده از نزدیک شدن این قیمت به متوسط‌های جهانی حمایت کنند.

امکان ادامه‌ی وضعیت فعلی بازار انرژی وجود ندارد و فرض تداوم قیمت‌های جاری انرژی، ریسک سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد.

وجه اشتراک تمام حالت‌های متصور برای آینده‌ی بازار انرژی، افزایش قیمت طی چند سال آینده است.



۹. جمع‌بندی: آنچه اتفاق خواهد افتاد!

بر اساس توضیحات این گزارش و چشم‌انداز بازار انرژی ایران، تغییر قیمت‌های انرژی طی سال‌های آتی قطعی به‌نظر می‌رسد. با توجه به نرخ فعلی رشد مصرف انرژی، و عدم سرمایه‌گذاری در بخش تولید انرژی در دهه‌ی گذشته، ادامه‌ی روند موجود قابل دوام نیست و آنچه آشکار است، اضمحلال مزیت‌های ایران در حوزه‌ی انرژی و همین‌طور شدت‌گرفتن اتلاف منابع است. برای برون‌رفت از وضعیت موجود دو سناریو محتمل است:

در خوش‌بینانه‌ترین حالت، اصلاحات اقتصادی در دستور کار قرار خواهد گرفت و عدم‌تعادل‌های اقتصاد و معضلات بازار انرژی با استفاده از یافته‌های علم اقتصاد رفع خواهد شد: قیمت‌های انرژی برای مصرف‌کننده‌ی نهایی به‌تدریج افزایش یافته و بازار انرژی کارا خواهد شد. البته حل چالش خودساخته‌ی یارانه‌ی پنهان انرژی بسیار پیچیده است و جنبه‌های گوناگونی دارد، از جمله توجه به قشر آسیب‌پذیر و آمادگی برای کاهش برخی تنش‌های اجتماعی را ایجاب می‌کند. در این سناریو به‌تدریج قیمت انرژی برای صنایع افزایش یافته و در بلندمدت تنها بنگاه‌هایی که مزیت رقابتی دارند، به فعالیت خود ادامه خواهند داد.

سناریو دوم تکرار چرخه‌ی فعلی است، یعنی قیمت حامل‌های انرژی هر چند سال یک بار به عنوان موضوعی بحرانی مورد توجه قرار گرفته و دولت‌ها مجبور می‌شوند قیمت حامل‌های انرژی را افزایش دهند. با گذشت چند سال و تکرار سیاست‌های تثبیت قیمت، این چرخه تکرار می‌شود. چالشی که هر چند سال یک بار با پرداخت هزینه‌های بسیار سنگین اقتصادی و اجتماعی به‌صورت موقت برطرف می‌شود، و با اتخاذ سیاست‌های نادرست مجدداً ایجاد می‌شود، بدون این‌که درسی از گذشته گرفته شود. اقتصاددانان بسیاری معتقدند که ادامه‌ی این چرخه، اگر در گذشته ممکن بوده، حال دیگر ناممکن است، و سیاست آزادسازی نسبی نرخ‌ها بزودی به دولت تحمیل خواهد شد.

به هر حال، وجه اشتراک هر دو سناریو، افزایش قیمت انرژی طی چند سال آینده است. کسب‌وکارهای جدید باید در طرح‌های مطالعات کسب و کار و بودجه‌های عملیاتی خود قیمت انرژی را درست پیش‌بینی کنند و سهم واقعی آن را لحاظ کنند. کسب‌وکارها باید بدانند که امکان ادامه‌ی وضعیت فعلی وجود ندارد، و با فرض تداوم قیمت‌های جاری انرژی، سرمایه‌گذاری‌های اشتباه انجام ندهند. کسب‌وکارهای بزرگ انرژی‌بر، بنگاه‌هایی که دهه‌ها و صدها شرکت را تحت مدیریت دارند، ناچارند در زیرساخت‌های تولید انرژی سرمایه‌گذاری کنند، وگرنه در آینده شرکت‌هایشان با قطعی‌های طولانی‌تر گاز و برق مواجه خواهند شد. این راه‌کاری مناسب و سرمایه‌گذاری‌ای منطقی است که به ثبات فعالیت آنها و توسعه‌ی کشور کمک خواهد کرد.

از طرف دیگر، دولت هم باید بداند که امکان اصلاح کامل و یکباره‌ی وضعیت موجود و حذف همه‌ی یارانه‌ها به لحاظ سیاسی و اقتصادی وجود ندارد. عرضه‌ی کل از تغییرات قیمت نهاده‌ی انرژی در فرآیند تولید بنگاه تأثیر می‌گیرد. افزایش قیمت عوامل تولید و افزایش هزینه‌ی تولید بنگاه‌ها و در نهایت کاهش حاشیه‌ی سود بنگاه‌های اقتصادی به صورت یک‌باره یا جهشی، باعث خواهد شد تا سطح تولید کاهش و سطح عمومی قیمت‌ها افزایش یابد.

سرمایه‌گذاری بسیار زیاد کشورهای توسعه‌یافته بر روی انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک، تهدیدی برای کشورهای نفتی است. ضروری است با تبدیل سرمایه‌های زیرزمین (نفت و گاز) به سرمایه‌های بر روی زمین، ارزش این سرمایه‌های طبیعی کشور برای نسل‌های بعد حفظ شده و زمینه‌ساز پیشرفت و توسعه‌ی کشور شود. بر این اساس باید از تعیین قیمت انرژی به چند نرخ اجتناب شود تا صنایع بر اساس ظرفیت‌ها و مزیت‌های خود توان رقابت و رشد داشته باشند، و تجربه‌ی تلخ بازار ارز تکرار نشود. با اصلاح محیط کسب‌وکار، ثبات اقتصاد کلان، اصلاح ساختار بودجه و اجرای قاعده‌ی مالی و حکمرانی توانمند و معتبر و قابل‌پیش‌بینی شرایطی فراهم می‌شود که در آن صنایع بر اساس مزیت‌های نسبی و شاخص‌های افزایش بهره‌وری خود و با بهره‌برداری کامل از نیروی انسانی توسعه می‌یابند تا کشور در مسیر رشد پایدار قرار گرفته و مشکل بیکاری نیز مرتفع شود.

درباره‌ی ما

گروه مالی دانایان (سهامی عام) توسط جمعی از فعالان اقتصادی بخش خصوصی شکل گرفته و به مثابه‌ی هر هلدینگ مالی، اکنون دیگر تحت نظارت کامل سازمان بورس و اوراق بهادار کار می‌کند. طی ۱۶ سال عمر خود، دانایان با ارائه‌ی گسترده‌ی طیف کاملی از خدمات بازارهای مالی، با تعداد بسیاری از کسب‌وکارهای کشورمان همکاری می‌کند. گروه تلاش می‌کند دقت تحلیل را با تخصص در فرایندهای اجرایی تلفیق کند و به شرکت‌ها و مالکان پروژه‌ها کمک کند تا کارایی عملیاتی خود را بهبود بخشند.

غیر از ارائه‌ی خدمات تأمین مالی، مشاوره‌ی سرمایه‌گذاری، مدیریت دارایی، خدمات کارگزاری، خدمات بیمه‌ی زندگی، خدمات ارزی، ...، گروه مالی دانایان سرمایه‌گذاری‌های متعددی در بخش واقعی اقتصاد دارد. گروه در شرکت‌ها و پروژه‌های ساختمانی و صنعتی در قالب شرکت سرمایه‌گذاری دانایان سرمایه‌گذاری کرده است.

مدل‌های کسب‌وکار ما انعطاف‌پذیر است و با نیاز طرف‌های تجاری‌مان هماهنگ می‌شود، به گونه‌ای که خدمات ما متناسب با نیاز آنها سفارشی تلقی می‌شود. این به ما امکان می‌دهد که با توجه به خدمات خود و محیط بازار، سطح توقعات مشتریان را به مقیاسی درآوریم که بتوانند از طرف‌های قرارداد خود در بازارهای رقابت جلوتر باشند.

شرکت مشاور سرمایه‌گذاری دانایان (سهامی خاص) یکی از زیرمجموعه‌های گروه مالی دانایان است که به‌ویژه در حوزه‌ی مشاوره‌ی مالی در طول عمر کوتاه خود خدمات گسترده‌ای به مشتریان ارائه کرده است. این شرکت شریک قابل‌اعتماد برای کسب‌وکارهای طرف قرارداد خود است. تعهد شرکت مشاور سرمایه‌گذاری دانایان همسویی با اهداف استراتژیک مشتریان است و حوزه‌ی تجربه‌ی مشاوره را در طول سال‌ها کار مدیران خود با شرکت‌های پیشرو به دست آورده است، و توان آن را دارد که روابط بلندمدت با کسب‌وکارهای طرف قرارداد خود ایجاد کند.

آکادمی دانایان در راستای مسئولیت اجتماعی گروه مالی دانایان توسط شرکت مشاور سرمایه‌گذاری دانایان شکل گرفته است. هدف اصلی آکادمی ارائه‌ی محتوای غنی آموزشی و تحلیل در حوزه‌ی مدیریت سرمایه‌گذاری، مالی شرکت‌ها و بازار دارایی‌هاست. آکادمی در تلاش است با بهره‌گیری از بهترین کارشناسان و معتبرترین مراجع در جهت ارتقای سطح دانش و آگاهی عمومی در حوزه‌های مالی، سرمایه‌گذاری و اقتصاد، گامی مؤثر بردارد تا مدیران و سرمایه‌گذاران بتوانند در آن حوزه‌ها تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کنند.

طراح گرافیک: دانیال ابراهیمی





نیک رای
شرکت مدیریت سرمایه و ساخت



سرمایه گذاری دانایان



فرامین گستر



صرافی دانایان



بیمه باران



شرکت صنایع
پتروشیمی زنجان



کارگزاری دانایان



دانایان
گروه مالی



دانایان
مشاور سرمایه گذاری



شرکت سرمایه، آب، خاک، توسعه



آکادمی دانایان



لیزینگ دانایان



صندوق سرمایه گذاری
املاک و مستغلات نیک رای



صندوق اختصاصی
بازارگردانی دانایان



داناتورکس

وبسایت

www.danayan.com
www.danayan.academy

تلفن

۰۲۱-۹۱۰۷۳۰۰۰

آدرس

تهران، ونک، خیابان ملاصدرا،
خیابان شیرازی شمالی، خیابان
زاینده رود غربی، پلاک ۳